



تحليل مقايسه اي شاخص آزادي اقتصادي ايران

نويسنده
حميد عبدی

زیر نظر استاد
دکتر مرادی

به نام خداوند جان و خرد

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۲	- روش شناسي
۲	۱. تعريف آزادي اقتصادي (Economic Freedom)
۲	- نحوه درجه بندي شاخص آزادي اقتصاد
۳	- سهولت ايجاد كسب و كار مهم ترين شاخص آزادي اقتصادي
۴	- رده بندي جهاني آزادي اقتصاد
۴	- حركت به سمت آزادي اقتصادي
۴	۲. وضعيت ايران
۴	- وضعيت ايران از لحاظ شاخصهاي آزادي اقتصادي
۸	۳. مقايسه تطبيقي
۸	* كشور تركيه
۹	- وضعيت كسب و كار در تركيه
۱۰	- اقدامات دولت تركيه جهت بهبود تجاري
۱۱	- مقايسه تطبيقي فضاي فعاليت اقتصادي در ايران و تركيه
۱۱	* كشور آلمان
۱۲	- شرايط و عوامل كارآفريني در آلمان
۱۲	- مهمترين تجربيات عملي آلمان در توسعه و ترويج كارآفريني
۱۳	۴. جمع بندي و نتيجه گيري
۱۴	۵. توصيه هاي سياسي

روش‌شناسی (Methodology)

در این پژوهش، از روش پژوهش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این روش، برای شناخت شرایط، وقایع، و مسائل گذشته با مراجعه به اسناد و مدارک، اطلاعات مورد نظر گردآوری می‌شود و پس از مطالعه شواهد و مدارک قضیه‌ای تاریخی توصیف و تحلیل می‌گردد. در این روش، سه گروه اسناد مورد استفاده قرار می‌گیرند، که عبارتند از: انتشارات، گزارش‌های آماری، و اسنادها.

۱. تعریف آزادی اقتصادی (Economic Freedom)

مکاتب‌گوناگون اقتصادی بر اساس اصول فکری و مبانی خاص خود به تعریف «آزادی اقتصادی» پرداخته‌اند بعضی از این تعاریف عبارتند از:

- آزادی اقتصادی، مشتمل است بر آزادی مشاغل، آزادی رقابت، آزادی تجارت داخلی و خارجی، آزادی بانک‌ها، آزادی نرخ ربح و غیره. به عبارت دیگر، آزادی اقتصادی عبارت است از مقاومت در برابر هر نوع مداخله دولت که ضرورت خاص آن به ثبوت نرسیده باشد، بویژه استقامت در برابر سیاست به اصطلاح حمایت و سرپرستی دولت.
- آزادی اقتصادی، اصطلاحی است که اغلب برای بیان آزادی داد و ستد به کار می‌رود.

- مقصود از آزادی اقتصادی، داشتن حق اشتغال، انتخاب نوع شغل، محل، مدت و زمان اشتغال، حق مالکیت نسبت به درآمد و دارایی، حق افزودن بر دارایی از راه مبادلات و داد و ستد بازرگانی و... حق مصرف و بهره‌برداری از درآمد و دارایی مطابق تمایل و اراده مالک و بالاخره حق ارث بردن و ارث‌گذارن دارایی‌ها.» (۴)

آزادی اقتصاد، یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه یافتگی اقتصاد کشورهاست. درجه آزادی اقتصاد کشورها کمی شده و بر اساس شاخص تعیین می‌گردد.

نحوه درجه بندی شاخص آزادی اقتصاد

الف) مؤسسه فریزر: این مؤسسه از موسسه‌های معتبر اقتصادی است که در سال ۱۹۷۵ گزارش خود بر اساس آزادی اقتصاد را منتشر کرد. شاخص آزادی اقتصاد فریزر شاخصی است موزون متشکل از ۵ شاخص:

۱- حجم و اندازه دولت

- مصرف دولت به عنوان درصد GDB
- حجم یارانه‌ها
- سرمایه گذاری دولت

۲- ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت

- استقلال از دستگاه قضایی
- حمایت از مالکیت معنوی
- دخالت نظامی

۳- دسترسی به نقدینگی سالم

- رشد نقدینگی
- آزادی مالکیت ارزهای خارجی
- نرخ تورم فعلی
- تغییر تورم در پنج سال اخیر

۴- آزادی تجارت خارجی

- مالیات و تعرفه‌های گمرکی
- موانع تجاری قانونی
- تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه
- کنترل بازار سرمایه
- حجم بخش تجارت

۵- قوانین مالی، بازار کار و تجارت

- میزان مشارکت بانکهای خصوصی و خارجی
- محدودیت نرخ سود بانکی
- سهم سپرده‌ها در بانکهای خصوصی
- محدودیت در قوانین دستمزد و اخراج نیرو
- سهم اشتغال‌زایی دولت

ب) مؤسسه هریتیج: شاخص اقتصادی هریتیج از حدود ۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ شاخص دسته بندی شده‌اند محاسبه و ارائه می‌شود.

- آزادی محیط کسب و کار
- آزادی تجاری
- آزادی مالیاتی
- آزادی از اقتصاد دولتی
- آزادی پولی
- آزادی سرمایه‌گذاری
- آزادی مالی
- آزادی مالکیت خصوصی
- آزادی از فساد
- آزادی در بازار کار

سهولت ایجاد کسب و کار مهم ترین شاخص آزادی اقتصادی مهم ترین شاخص نشان دهنده آزادی اقتصادی، آسانی و سهولت ایجاد کسب و کار و به عبارت بهتر مناسب بودن فضای کسب و کار است که در شاخصهای آزادی اقتصادی تحت عنوان آزادی محیط کسب و کار در راس شاخصهای اقتصادی قرار گرفته است. آزادی محیط کسب و کار نسبت معکوس با بزرگی دولت و انحصاراتی دارد که مانع از ایجاد فضای مناسب برای کسب و کار می شود چرا که بزرگی دولت موجب فشارهای مضاعف به بخش خصوصی می‌گردد.

۲. وضعیت ایران

وضعیت ایران از لحاظ شاخص‌های آزادی اقتصادی براساس بررسی‌های هریتیج، اقتصاد ایران ۴۳/۴ درصد آزاد است که باعث شده در میان کشورهای جهان به لحاظ آزادی اقتصادی جایگاه ۱۶۸ را کسب کند و در میان 17 کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا جایگاه ۱۶ را به خود اختصاص دهد. از جهت دیگر رشد این آزادی از سال گذشته تا کنون منفی ۰/۶ بوده است.

- ایران در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸ از کشورهایی که در سال ۱۹۹۶ هم رتبه آن بوده اند، کاملاً عقب مانده است.

عقب‌ماندگی ایران از کشورهای هم رتبه آن در سال‌های یادشده در دو دوره شدت یافته است؛ دوره اول سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۱ است که دولت وقت به دلیل محدودیت در تأمین منابع (کاهش قیمت نفت) به ناچار می‌بایست با ایجاد محدودیت صرفاً به اداره کشور می‌پرداخت و البته مسابله سیاسی داخلی نیز تاثیرگذار بوده است و دوره دوم از سال ۲۰۰۵ تا به امروز است، که با تغییر دولت و افزایش شدید درآمدهای نفتی همراه است.

- شاخص‌هایی که امتیاز ایران در آنها به شدت با دنیا فاصله دارد، عبارتند از ۴ شاخص: حق مالکیت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی و آزادی پولی.

آزادی سرمایه‌گذاری (Investment Freedom) نیز یک ارزیابی از جریان آزادانه سرمایه، خصوصاً سرمایه‌های خارجی، فراهم می‌آورد. امتیاز ایران از این شاخص نیز ده بوده و با پنج کشور دیگر در رتبه آخر جهان قرار دارد.

- شاخص آزادی مالی (Financial Freedom) نیز که معیاری است از امنیت بانکداری، مانند آزادی از کنترل دولت، مالکیت دولتی بانکها و دیگر موسسه‌های مالی مانند بیمه و بازار سرمایه ناکارا،

- شاخص آزادی پولی یا Monetary Freedom یک سنجه پایداری قیمت را با ارزیابی کنترل قیمت فراهم می‌آورد. پایداری قیمت‌ها، بدون دخالت در سطح خرد اقتصاد یک حالت ایده‌آل برای بازار آزاد است. تورم و کنترل قیمت، نیز فعالیت بازار را مختل می‌کنند.

- شاخص آزادی تجارت یا Trade Freedom نیز سنجه موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای است که بر صادرات و واردات کالا و خدمات تاثیرگذار است. این شاخص با استفاده از دو ورودی «نرخ میانگین وزنی تعرفه» و «موانع غیر تعرفه‌ای» ساخته می‌شود.

- شاخص عاری بودن از فساد یا Freedom from Corruption (شاخص درک فساد) شفافیت بین المللی، درکی از فساد در محیط کسب و کار به دست می‌دهد که شامل سطوح فساد قانونی، قضایی و اداری می‌شود

- شاخص آزادی نیروی کار یا Labor Freedom نیز یک سنجه ترکیبی برای اندازه‌گیری توانایی نیروی کار و شرکتها در تعامل با یکدیگر بدون محدودیت‌های حقوقی است.

- شاخص آزادی مالی یا Fiscal Freedom سنجه وزن دولت از جنبه درآمد است که این معیار شامل وزن مالیاتی به صورت حداکثر نرخ مالیات بر درآمد جداگانه برای فرد و شرکت و کل مقدار درآمد مالیاتی دولت به عنوان بخشی از GDP است. این شاخص، همچنین بر اساس سه پارامتر «بالاترین نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی»، «بالاترین نرخ مالیات بر درآمد شرکتها» و «سهم کل درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص ملی» محاسبه می‌شود.

- شاخص اندازه دولت یا Gov't Size کلیه مخارج دولت، شامل مصرف و پرداخت‌های انتقالی را در بر می‌گیرد. اندازه دولت، در هر اقتصاد بر مبنای درصد مخارج دولت از تولید ناخالص ملی محاسبه می‌شود. در حالت ایده‌آل دولت باید تنها کالاهای عمومی را تهیه کند و حداقل مخارج را داشته باشد.^۱

ایران از نظر شاخص‌های آزادی اقتصادی در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام، در رتبه ۲۱ قرار گرفته است. ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که جمهوری اسلامی تا سال ۱۴۰۴ شمسی باید از نظر علمی، فناوری و اقتصادی از آنها رتبه بالاتری داشته باشد، از نظر شاخص‌های آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۸ به ترتیب در این رتبه‌های جهانی قرار دارند:^۲

شاخص‌های ده گانه آزادی اقتصادی برای اقتصاد ایران در ۲۰۰۸

شاخص	نمره ایران از ۱۰۰	متوسط جهانی	نمره بهترین کشور (هنگ کنگ)
آزادی کسب و کار	۵۵	۶۲,۸	۸۸,۲
آزادی تجارت	۵۷,۴	۷۲	۹۵
آزادی مالیاتی	۸۱,۱	۷۴,۹	۹۲,۸
اندازه دولت			
آزادی پولی	۸۴,۵	۶۷,۷	۹۳,۱
آزادی سرمایه‌گذاری	۶۱,۳	۷۴,۴	۸۷,۲
آزادی تامین مالی	۱۰	۵۰,۳	۹۰
آزادی حقوق تجارت	۱۰	۵۱,۷	۹۰
آزادی حقوق تجارت	۱۰	۴۵,۶	۹۰
رهایی از فساد مالی	۲۷	۴۱,۱	۸۳
آزادی نیروی کار	۴۳,۸	۶۲,۱	۹۳,۳

وضعیت ایران از نظر شاخص‌های آزادی اقتصادی در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام^۳ در سال ۲۰۰۹

رتبه جهانی	شاخص آزادی اقتصادی	رتبه در منطقه چشم‌انداز
۱۹	۷۲,۲	۱- بحرین
۲۸	۷۰,۳	۲- ارمنستان
۳۲	۶۹,۲	۳- گرجستان
۳۹	۶۸,۳	۴- کویت
۴۲	۶۷,۴	۵- عمان
۴۶	۶۶,۱	۶- اسرائیل
۵۸	۶۳	۷- اردن
۶۰	۶۲,۸	۸- عربستان سعودی
۶۳	۶۲,۸	۹- امارات متحده عربی

۲ - بخش خبری سایت الف به نقل از گزارش سالانه «آزادی اقتصادی در جهان» .
 ۳ - در رده‌بندی فوق، کشورهای عراق و افغانستان واقع در حوزه جغرافیایی چشم‌انداز ۲۰ ساله کشورمان، حضور ندارند.

۶۶	۶۲,۶	۱۰ - قطر
۷۰	۶۱,۶	۱۲ - قرقیزستان
۷۳	۶۰,۹	۱۲ - لبنان
۷۴	۶۰,۸	۱۳ - ترکیه
۷۶	۶۰,۵	۱۴ - قزاقستان
۹۳	۵۶,۸	۱۵ - پاکستان
۱۰۷	۵۵,۳	۱۶ - آذربایجان
۱۱۴	۵۴,۵	۱۷ - تاجیکستان
۱۲۵	۵۲,۸	۱۸ - یمن
۱۳۰	۵۲,۳	۱۹ - ازبکستان
۱۴۴	۴۶,۴	۲۰ - سوریه
۱۵۱	۴۴	۲۱ - ایران
۱۵۲	۴۳,۴	۲۲ - ترکمنستان

وضعیت ایران از نظر شاخص‌های آزادی اقتصادی در سال ۲۰۱۰ در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام^۴

رتبه در منطقه	شاخص آزادی اقتصادی	رتبه جهانی
۱ - بحرین	۷۶,۳	۱۳
۲ - گرجستان	۷۰,۴	۲۶
۳ - ارمنستان	۶۹,۲	۳۸
۴ - قطر	۶۹,۰	۳۹
۵ - کویت	۶۷,۷	۴۲
۶ - عمان	۶۷,۷	۴۳
۷ - اسرائیل	۶۷,۷	۴۴
۸ - امارات متحده عربی	۶۷,۳	۴۶
۹ - اردن	۶۶,۱	۵۲
۱۰ - عربستان سعودی	۶۴,۱	۶۵
۱۱ - ترکیه	۶۳,۸	۶۷
۱۲ - قرقیزستان	۶۱,۶	۷۰
۱۳ - قزاقستان	۶۱,۰	۸۲
۱۴ - لبنان	۵۹,۵	۸۹
۱۵ - آذربایجان	۵۸,۸	۹۶
۱۶ - پاکستان	۵۵,۲	۱۱۷
۱۷ - یمن	۵۴,۴	۱۲۱
۱۸ - تاجیکستان	۵۳,۰	۱۲۸
۱۹ - سوریه	۴۹,۴	۱۴۵
۲۰ - ازبکستان	۴۷,۵	۱۵۸
۲۱ - ایران	۴۳,۴	۱۶۸
۲۲ - ترکمنستان	۴۲,۵	۱۷۱

۴ - کشورهای عراق و افغانستان واقع در حوزه جغرافیایی چشم‌انداز ۲۰ ساله کشورمان، در رده‌بندی فوق، حضور ندارند.



◆ کشور ترکیه

- نوع حکومت: جمهوری با پارلمان واحد (Turkey)
- مساحت: ۷۸۳,۵۶۲ کیلومتر مربع
- جمعیت: ۷۳,۹ میلیون نفر
- تولید ناخالص داخلی (برآورد ۱۳۸۷): ۱,۰ تریلیون دلار
- برابری قدرت خرید (سرانه): ۱۱,۴۶۳ دلار

وضعیت کسب و کار در ترکیه

کسب و کارهای کوچک و متوسط در اقتصاد ترکیه نقشی مهم بر عهده دارند. جمعیت ترکیه شبیه بسیاری از کشورهای در حال توسعه عمدتاً جوان است و دولتمردان برای ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی طی یک دهه گذشته اقدامات متعددی جهت تسهیل کارآفرینی انجام داده اند. ۶۸ درصد جمعیت ۷۳,۹ میلیون نفری ترکیه در سن ۱۵ تا ۶۵ سال هستند و بخش بزرگی از این عده در سن کار به سر می‌برند.

دیدگاه مقامات ترکیه برای توسعه کارآفرینی دیدگاهی بین‌المللی است و اصل مهم در تدوین سیاست‌های مربوط به این حوزه سازگاری برنامه‌ها با تحولات جهانی و نقش ترکیه در اقتصاد جهان است. این نگاه باعث شده وضعیت کنونی ترکیه نسبت به دهه ۱۹۹۰ تغییر چشمگیری پیدا کند. برای مثال در سال‌های یاد شده کسب و کارهای کوچک و متوسط تحت تأثیر بی‌ثباتی شاخص‌های کلان اقتصاد از جمله تورم و رکود به فعالیت خود ادامه می‌دادند. همچنین در آن سال‌ها بی‌ثباتی نرخ برابری لطمات فراوانی به کارآفرین‌هایی که تازه فعالیت را آغاز کرده بودند وارد می‌کرد. بی‌توجهی به جایگاه حقوقی و قانونی کسب و کارهای کوچک و متوسط نیز سبب می‌شد در تدوین سیاست‌های کلان تدابیری برای رشد متوازن آن‌ها اندیشیده نشود اما طی سال‌های اخیر روندهای یاد شده معکوس شده اند و به تدریج وضعیت کارآفرین‌های ترکیه به کشورهای دیگر در اتحادیه اروپا و سازمان توسعه و همکاری اروپا نزدیک می‌شود.

دولت ترکیه جهت حل مشکلات آن‌ها ابتدا به شناسایی ویژگی‌های این دسته از بنگاه‌ها پرداخته و سپس از جنبه‌های گوناگون تلاش کرده راه پیشرفت آن‌ها را هموار کند. اکنون دولتمردان و قانونگذاران ترکیه می‌دانند شرکت‌های کوچک و متوسط این کشور از نبود نیروی کار متبحر، سطح مهارتی پایین، ناکافی بودن سرمایه‌گذاری برای حمایت از فعالیت‌ها و دسترسی اندک به تکنولوژی‌های روز در حوزه‌های مختلف رنج می‌برند.

ساختار اقتصاد ترکیه به طور خاص لطمه بزرگی به کسب و کارهای کوچک و متوسط وارد کرده است. جو تورمی اقتصاد و افزایش بدهی دولت باعث کاهش اعتماد تجاری، بحران‌های مالی و رشد شدید نرخ‌های بهره شده است. از سال ۱۹۹۶ نیز با پیوستن ترکیه به اتحاد گمرکی اتحادیه اروپا، شرکت‌های کوچک و متوسط این کشور باید با شوک رقابتی حاصل از باز شدن درهای اقتصاد به روی کالاهای خارجی مواجه می‌شدند.

از سال ۲۰۰۰ دولت ترکیه با درک ضرورت سامان دادن به وضعیت نامطلوب اقتصاد، اجرای اصلاحات ساختاری را در تمامی بخش‌ها آغاز کرد. این برنامه

طی یک دهه آینده نیز با شدت ادامه پیدا خواهد کرد. هدف اصلی این برنامه ایجاد ثبات در شاخص های کلان اقتصاد، دستیابی به رشد اقتصادی پایا و نزدیک شدن شاخص های اقتصادی به شاخص های کشورهای پیشرفته به ویژه کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. در سال ۲۰۰۶ سرانه تولید ناخالص داخلی ترکیه از نظر برابری قدرت خرید (PPP) حدود ۳۰ درصد متوسط کشورهای عضو بلوک یورو بود. از سوی دیگر ورود جمع عظیم جوانان به بازار کار، انتقال شغل ها از بخش کشاورزی به بخش های صنعت و خدمات و نیز تمایل شدید زنان به حضور در بازار کار از مهم ترین عوامل رشد تقاضا برای شغل به ویژه در بخش های صنعت و خدمات بوده است. زنان ۲۷ درصد نیروی کار ترکیه را تشکیل می دهند) با توجه به تجربه تعداد زیادی از کشورهایی که در ایجاد شغل برای نیروی کار خود موفق بوده اند، راه حل اصلی برای ترکیه رونق تاسیس کسب و کارهای کوچک و متوسط است. اما این نوع بنگاه ها اغلب برخلاف شرکت های بزرگ توان حفظ خود را در برابر افت و خیزهای اقتصادی ندارند. به همین سبب دولت ترکیه در تدوین سیاست های مربوط به فعالیت این نهادها ملاحظات خاصی را در نظر گرفته است. به ویژه ترکیه طی سال های اخیر سیاست الحاق به اقتصاد جهانی به ویژه اتحاد اروپا را در اولویت خود قرار داده است و قصد دارد از تجربه کشورهای این اتحادیه جهت کمک به بنگاه های خصوصی و کارآفرین های خود بهره ببرد. تحلیل گران معتقدند در ترکیه شبیه هر کشور دیگری، کسب و کارهای کوچک به علت تاثیر عظیمی که بر اقتصاد دارند از هر سیاست دولت به طور مستقیم یا غیرمستقیم تاثیر می پذیرند. به همین سبب سامان یافتن جایگاه این نهادها در اقتصاد هر چه سریع تر صورت گیرد، اقتصاد زودتر ثبات پیدا می کند. طی یک دهه گذشته دولت ترکیه با بهره گیری از تجارت جهانی به تاسیس نهادهای گوناگون برای کمک به کارآفرین های موجود و زمینه سازی برای ورود جمعیت جوان و تحصیلکرده به حوزه کارآفرینی دست زده است. تاسیس مرکز آموزش توسعه صنعتی (SEGEM) و سازمان توسعه صنایع کوچک از جمله این اقدامات بوده است. ترکیه در سال ۲۰۰۲ منشور اروپایی کسب و کارهای کوچک را امضا کرد و قول داد در جهت تسهیل فعالیت شرکت های کوچک و متوسط اقدامات جدی انجام دهد. در حقیقت دولت ترکیه در تمام برنامه های اتحادیه اروپا که به توسعه بخش خصوصی به ویژه کسب و کارهای کوچک مربوط می شود شرکت کرده است.

دولت در هشتمین برنامه پنج ساله توسعه خود که بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ اجرا شد افزایش بهره وری بنگاه های کوچک و متوسط و ارتقای سطح رقابت پذیری آن ها را مدنظر قرار داد و در این دو حوزه موفقیت برنامه بیش از ۷۰ درصد محاسبه شده است. طبق معیارهای برگرفته از برنامه های جهانی، افزایش کیفیت محصولات، رشد تاثیر ابداع و نوآوری در تولید محصول و خدمات، استفاده از تکنولوژی روز، ارتقای سطح همکاری بنگاه های یاد شده با مراکز علمی و دانشگاهی، ایجاد دسترسی به ابزارهای جدید تامین مالی و نیز حاکم کردن مدیریت مدرن در اولویت قرار گرفت. همچنین به هدف افزایش توان صادراتی بنگاه های کوچک و متوسط، زمینه همکاری بین آن ها و شرکت های خارجی فراهم شده است. دولت ترکیه افزایش میزان خدمت دهی به این بنگاه ها را جزو اهداف خود قرار داده است. در نهمین برنامه پنج ساله توسعه نیز همین اهداف دنبال می شود.

از سال ۲۰۰۰ تاکنون میزان بیکاری در ترکیه چهار درصد افزایش یافته و به ۱۰ درصد رسیده و میزان واقعی مزد هم کاهش یافته است در حالی که ترکیه و اتحادیه اروپا سرگرم مذاکره برای عضویت احتمالی ترکیه هستند؛ دولت آنکارا باید به طور جدی به بازنگری سیاست های غیر قابل پایدار خود در پنج سال گذشته دست بزند. ادامه این سیاست های مورد حمایت صندوق بین المللی پول برای کسب اعتبار در این مذاکرات کار بسیار خطرناکی است. طنز

تاریخ در این است که ادامه این سیاست ها بعید نیست با بحرانی کردن اقتصاد ترکیه به وضعیتی در بیاید که احتمال عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را به طور کامل نابود نماید.

ترکیه کشوری اورآسیایی است که بخش بزرگ کشور (یعنی آناتولی یا آسیای کوچک) در جنوب غربی آسیا و خاورمیانه واقع است و بخش کوچکی نیز (به نام تراکیه) در منطقه بالکان (منطقه ای در جنوب خاور اروپا) قرار دارد.

ترکیه با قرار گرفتن در یکی از حساسترین مناطق جهان، دارای موقعیت جغرافیایی راهبردی و بسیار خوبی می باشد و گذرگاه جنوب باختر آسیا و اروپا به حساب می آید و کشورهای بسیاری، به ویژه ایران از خاک ترکیه برای ترانزیت کالا و انرژی استفاده می کنند.

ترکیه اکنون روابط بسیار خوبی با ایران دارد و در چند سال گذشته سطح روابط اقتصادی و فرهنگی دو کشور چند برابر شده است.

مقایسه تطبیقی فضای فعالیت اقتصادی در ایران و ترکیه

شاخص	ایران	ترکیه
آزادی اقتصادی	۴۳٫۴٪	۶۳٫۸٪
رتبه آزادی اقتصادی	۱۶۸	۶۷
رشد آزادی اقتصادی	-۰٫۶	۲٫۵
شروع کسب و کار	۴۸ روز	۵۶ روز
آزادی کسب و کار	۶۹٫۹٪	۶۸٫۹٪
آزادی تجارت	۵۰٫۲٪	۸۶٫۴٪
آزادی مالیاتی	۸۱٫۱٪	۷۸٫۱٪
اندازه دولت	۷۹٫۶٪	۸۲٫۹٪
آزادی پولی	۵۴٫۷٪	۷۰٫۰۲۸۲۳٪
میانگین نرخ تورم	۲۶٪	۱۰٫۴٪
آزادی سرمایه گذاری	۰	۶۵٪
آزادی تامین مالی	۱۰٪	۵۰٪
حقوق مالکیت	۱۰٪	۵۰٪
آزادی از فساد	۲۳٪	۴۶٪
آزادی نیروی کار	۵۵٫۱٪	۴۱٫۱٪

◆ آلمان

- تولید ناخالص داخلی (کل): ۲٫۰۶۹ بلیون دلار

- تولید ناخالص داخلی سرانه: ۳۱٫۴۷۲ دلار

- جمهوری فدرال آلمان با بیش از هشتاد و دو میلیون نفر جمعیت، ۱۶ ایالت و مساحتی حدود ۳۵۷٫۰۲۳ کیلومترمربع یکی از بزرگترین کشورهای اروپا و یکی از صنعتی ترین کشورهای پیشرو جهان و در قاره اروپا واقع شده است.

- آلمان دارای نظام سیاسی جمهوری فدرال دموکراتیک پارلمانی بوده و دارای ۱۶ ایالت است. این ایالتها می توانند در برخی مسائل مستقل عمل کنند. این کشور پرجمعیت ترین و ثروتمندترین عضو اتحادیه اروپا نیز هست.

- آلمان بزرگترین اقتصاد اروپا را داراست و پس از آمریکا و ژاپن سومین قدرت صنعتی جهان است. از نظر درآمد سرانه رتبه پنجم می باشد. رشد اقتصادی آلمان در سال ۲۰۰۷ برابر ۲٫۴ بوده است. آلمان با صادرات ۱٫۳۳ میلیاردی جزو

بزرگترین صادرکنندگان جهان است. سهم هر یک از بخشهای خدمات صنعت و کشاورزی به ترتیب برابر ۷۰٪، ۲۹٪ و ۱٪ است. بهبود اقتصادی این کشور پس از جنگ جهانی دوم «معجزه اقتصادی آلمان» خوانده شده است. بیشتر تولیدات آلمان تولیدات مهندسی بویژه صنایع الکتریکی، مکانیکی، خودروسازی، مواد شیمیایی، منسوجات، هوافضا، غذایی و وسایل نقلیه است. از بین ۵۰۰ شرکت بزرگ دنیا «از لحاظ سرمایه» ۳۷تای آنها در آلمان می‌باشد. از آغاز دهه ۱۹۸۰، رشد کلانی در صنایع تکنولوژی پیشرفته روی داده است.

شرایط و عوامل کارآفرینی در آلمان

– کشور آلمان با بیش از ۸۲ میلیون نفر جمعیت در اروپا قرار دارد.
– این کشور جزو ۷ کشور پیشرفته صنعتی دنیاست که دارای اقتصاد قوی و پیشرفته می‌باشد.

– سرانه تولید ناخالص داخلی: حدود ۲۴,۰۰۰ دلار آمریکا

– سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل: حدود ۵۳۰۰۰ دلار

آمریکا

– توانایی سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز برای توسعه کسب و کار: دارای مقیاس ۶/۲ (از مقیاس یک تا ۱۰) است.

میزان درک مدیران این کشور از کارآفرینی: دارای مقیاس حدود ۶/۱ از ۱۰

– هزینه کل تحقیقات: ۵۰ میلیارد دلار آمریکا

– سیاست دولت: تمرکز بر روی تثبیت عوامل رشد داخلی از طریق کاهش مالیاتها برای کسب و کارها و مصرف‌کنندگان
* عوامل مثبت:

– تأمین مالی برای ایجاد شرکتهای جدید و در حال رشد

– حمایت مالی: ارائه سهام و سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاران خصوصی برای

شرکتهای جدید و در حال رشد

– سرمایه‌گذاری در راه‌اندازی شبکه و تکنولوژی جدید

– شاخص اجرای عینی سیاستها برای ارتقا شروع کسب و کارها: رتبه ۱۷ (مکانیزمهای انگیزشی و امتیازات واقعی برای شرکتهای جدید و در حال رشد وجود ندارد. با توجه به این موارد یک نیاز ضروری برای کاهش موانع بوروکراسی برای کارآفرینان در درون مؤسسات ایالتی احساس می‌شود.)

– سطح فعالیت کارآفرینانه: در میان ۲۱ کشور GEM وضعیت متوسطی دارد و میزان فعالیت کارآفرینانه کلی آن ۴/۷٪ می‌باشد.

– اقدامات دولت آلمان در زمینه ارتقاء کارآفرینی:

• آموزش برای یک جامعه کارآفرینانه

• دستیابی منابع تأمین مالی برای شرکتهای کوچکتر و در یک مرحله زودتر و تأمین مالی برای گسترش شرکتهای تکنولوژیکی

• دسترسی به تحقیق و نوآوری و استفاده بهتر از پتنتها توسط SME ها

• بهبود خدمات حمایتی

• بهبود امور اداری دولتی °

مهمترین تجربیات عملی آلمان در توسعه و ترویج کارآفرینی

– حمایت های آموزشی

– ایجاد کرسی‌های دانشگاهی برای کسب و کارها

– انتشار دانش اقتصاد در مدارس و گنجاندن نیازهای صنعت در سیستم مدرسه

و معرفی کارآفرینی به عنوان یک انتخاب با ارزش در مراحل اولیه آموزش از

طریق: تبادل اطلاعات و تجارب بین مدارس و صنعت/ آموزش معلمان/ بازدید و آموزش عملی در زمینه کسب و کارها برای دانش‌آموزان و معلمان/ ایجاد و حمایت از تاسیس شرکتها توسط دانش‌آموزان/ ایجاد یک رقابت به عنوان مدرسه و صنعت موفق با یکدیگر.

- اجرای پروژه حذف بوروکراسی و کاهش موانع اداری از کسب و کارها و کم کردن و موثرتر کردن قوانین و بهتر شدن فرآیندهای سازمانی

- حمایت‌های مالی خدمات حمایتی: حمایت دولت از بازارچه‌های کسب و کار و کسب و کارهای جدید/ برداشتن موانع موجود از سر راه ایجاد کنندگان کسب و کارهای جدید و شرکت‌های کوچک از طریق مشارکت دادن تمام ساختارها در فرآیند ایجاد کسب و کار/ ایجاد بانک اطلاعاتی برنامه‌های حمایتی/ فهرست کردن برنامه‌های حمایتی اتحادیه اروپا و دولت فدرال و روش‌های درخواست و برقرار تماس با افراد/ یک خط مستقل در سطح کشور برای افرادی که یک کسب و کار جدید ایجاد می‌کنند و نیاز به مشاوره دارند.^۶

- اقتصاد اجتماعی مبتنی بر بازار

- سرمایه‌گذاران خارجی

- صادرات

- فناوری اطلاعات و ارتباطات

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- آزادی محیط کسب و کار نسبت معکوس با بزرگی دولت و انحصاراتی دارد که مانع از ایجاد فضای مناسب برای کسب و کار می شود چرا که بزرگی دولت موجب فشارهای مضاعف به بخش خصوصی می‌گردد.

- قوانین و مقرراتی که دائم در حال تغییرات است خود به خود موجب عدم ثبات اقتصادی خواهد شد. در این بین بخش تولید بیش از بقیه بخش‌ها آسیب خواهد دید. همین امر موجب شده که فضای کسب و کار و جذب سرمایه گذاری در ایران نسبت به کشورهای هم‌تراز در آسیا، آسیای میانه، آسیای جنوب شرقی و حوزه خلیج فارس بسیار پایین تر باشد.

- یکی از دلایل وضعیت نامطلوب فضای کسب و کار در ایران، بالا بودن تعرفه‌ها، مالیات بالای واردات، مجوزهای صادرات، سازوکارهای گمرکی مشکل و کنترل دولت بر واردات است.

- نرخ مالیات بر درآمد در ایران بالاست.

- تورم بسیار بالا و میانگین آن در میان سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، ۱۴٪ بوده و قیمت‌ها نسبتاً ناپایدار.

- قواعد سختی در ایران برای استخدام وجود دارد که امکان استخدام و رشد را کاهش می دهد. اخراج یک کارمند یا کارگر باید با تایید شورای اسلامی کار انجام بگیرد. مشکل بودن تعدیل نیروی کار باعث می شود خطر ورشکستگی کارخانه‌هایی که در حال رشد هستند بالا برود. قواعد مربوط به ساعت کار بسیار سخت و محکم هستند.

- کشورهای با درجه پایین‌تر آزادی اقتصادی، عموماً ادعا می‌کنند محدودیت‌ها، برای رضایت حال جامعه وضع شده اند، حال آن که نتایج بررسی شاخص آزادی اقتصادی عکس این امر را نشان می‌دهد.

- بر پایه بررسی‌ها، هر ۱۰ امتیاز افزایش در آزادی اقتصادی، منجر به تقریباً دو برابر شدن درآمد سرانه می‌شود. بنابراین حتی تغییرات کوچک در آزادی اقتصادی کشورها منافع قابل توجهی خواهد داشت.

- آزادسازی اقتصاد و توسعه بخش خصوصی به دو روش ممکن است: اول واگذاری دارایی‌های دولتی به بخش خصوصی یعنی خصوصی سازی و دوم بهبود فضای کسب و کار، که انتخاب هر کدام از این دو راهبرد برای آزادسازی اقتصاد، نیازمند مقدماتی است که بدون آن تنها نتیجه، شکست خواهد بود.

- در ارتباط با خصوصی سازی، ضرورت شفاف سازی بنگاه‌های اقتصادی قبل از واگذاری، افشای کامل اطلاعات و دسترسی آزاد به اطلاعات، ایجاد فرصت برابر برای تمام متقاضیان و فعالان اقتصادی واگذاری در شرایط رقابتی از جمله شرایط لازم برای موفقیت است.

- بهبود محیط کسب و کار نیز نیازمند رفع موانع کارآفرینی و سرمایه گذاری، به عنوان اصلی ترین پیش شرط، است. اصلاح نظام اداری پیچیده، بورکراتیک و ناکارآمد، که مهم ترین عامل در شکل گیری اقتصاد زیر زمینی، غیر رسمی و غیر مولد است و نتیجه آن استثمار نیروی کار، توسعه فقر و تشدید نابرابری و شکاف طبقات می شود، نیز مورد نیاز است. البته روش بهبود محیط کسب و کار و اصلاحات نظام اداری به ویژه در حوزه سازمان های صاحب فرآیند محیط کسب و کار، در اولویت است.

۵. توصیه های سیاستی

(توصیه های سیاستی قابل اجرا جهت بهبود شاخص های کمی آزادی اقتصادی)

- یکی از چالش های بازار کار، فضای بسته، بدون تغییر و آزادسازی نشده قوانین و مقررات ناظر بر این بازار است که تقاضای بازار را غیرمنعطف و با مشکل مواجه ساخته است.

- می توان با رفع موانع تولید و سرمایه گذاری، کاهش ریسک سرمایه گذاری از طریق فراهم کردن امنیت اقتصادی و سیاسی و ایجاد هماهنگی بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار، وضعیت بازار کار و اشتغال را ساماندهی و بهبود بخشید.

- انجام اصلاحات در مقررات، شرط لازم برای بهبود وضعیت اشتغال در کشور خواهد بود، به نحوی که به اذعان کارشناسان بانک جهانی تنها با انجام اصلاحات در پنج شاخص اخذ مجوز، حمایت از سرمایه گذاران، استخدام نیروی کار، ثبت مالکیت و انحلال فعالیت، ایران قادر خواهد بود جایگاه خود را از وضعیت فعلی به نحو مطلوبی ارتقا دهد.

- تنها با برخی اقدامات به ظاهر ساده از جمله توسل به فرآیندهای یک نفر پاسخگویی چند مرحله یا الکترونیکی کردن فرآیندهای بررسی و صدور مجوز می توان به نحو چشمگیری جایگاه خود را در میان کشورهای جهان ارتقا بخشید.

- مهمترین اقدام برای کمک به ساختار بازار کار اصلاح فضای کسب و کار با الهام از تجربه کشورهای موفق و استفاده از کمک های فنی بانک جهانی جهت شناسایی نقاط بحران زا و مانع بروز شرایط مطمئن برای بقا و امکان فعالیت بخش های تولیدی در جامعه است.

- قدرت اول منطقه شدن با اقتصاد دولتی ممکن نیست. ورود و خروج آزادانه سرمایه به جذب سرمایه داخلی و خارجی کمک می کند و نشان می دهد تا چه حد امنیت در داخل یک کشور وجود دارد. عامل منفی دیگر نقش دولت و میزان دخالت دولت در اقتصاد نه به عنوان سیاستگذار بلکه به عنوان انجام دهنده و متصدی امور است. درجه آزادی اقتصادی کشورها را ممکن است از روی چنین معیارهایی تعیین کنند. با چنین اوصافی رسیدن به رتبه نخست منطقه نه غیرممکن بلکه بسیار دور از ذهن و سخت است. رسیدن به اقتصاد نخست منطقه به فاکتورهای مهمی مانند رشد بهره وری بستگی دارد. تا زمانی که اقتصاد دولتی باشد به طور حتم بهره وری پایین خواهد بود. بنابراین بازدهی و

کارآیی دستگاه ها به شدت پایین آمده و به تبع آن بعید به نظر می رسد که ایران تا سال ۱۴۰۴ به قدرت اقتصادی نخست منطقه تبدیل شود.

- نتایج مطالعات بانک جهانی یکی از دلایل بیکاری بلندمدت در ایران، نامساعد بودن فضای کسب و کار است، به طوری که بسیاری از مشکلات مبتلا به بازار کار با فضای کسب و کار و دیوانسالاری به هم تنیده و بر پیچ و خم قوانین و مقررات و مراحل اجرایی اخذ مجوز شروع به کار و نا اطمینانی‌های مستولی بر تقاضای نیروی کار از سوی بنگاه‌های اقتصادی گره خورده است.

- اگر کشوری محیط کسب و کار مناسب برای رشد بخش خصوصی نداشته باشد، خصوصی‌سازی نمی‌تواند موفق باشد. رشد بخش خصوصی تنها نیازمند تغییر مالکیت از دولت به خصوصی نیست بلکه باید زمینه رشد بخش خصوصی فراهم باشد.

منابع و مآخذ

- www.Heritage.Org

- www.Doingbusiness.Org

روزنامه همشهری

- ویکیپدیا انگلیسی

- اکو نیوز

- ایلنا خبرگزاری کار ایران

پایان